



A Comparative Study of the Effectiveness of Monotheistic Religions in Confronting Environmental Hazards with an Emphasis on Islamic Teachings



Esmail Alamdar¹, Ali Arabi Ayask², Fatemeh Zahra Farsi³

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran. Email: esmaeil.alamdar@birjand.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Faculty, University of Quran and Hadith Sciences, Qom, Iran. Email: arabi@quran.ac.ir

3. M.A. Student, Environmental Hazards Program, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, Birjand, Iran. Email: atemeh-zahra-farsi@birjand.ac.ir

Article Info

Abstract:

Article type:

Research Article

Print ISSN:

2716-9812

Online ISSN:

2717-3488

Received:2025/10/30

Detected:2026/02/08

Accepted:2026/05/31

Available:2026/06/19

Keywords:

Religious Effectiveness, Monotheistic Religions, Essentialist Approach, Environmental Hazards, Spiritual Resilience.

Environmental hazards, as phenomena inseparable from human life, have always shaped individual and social attitudes, beliefs, and behaviors. In dominant contemporary approaches, the management of these hazards is predominantly material and secular; whereas, the integration of the spiritual perspectives of monotheistic religions (Islam, Judaism, and Christianity) can provide a deeper understanding of their roots and consequences. This research aims to conduct a comparative study of the effectiveness of these religions in confronting environmental hazards and to present a model of the origin of hazards from a religious perspective. The research is fundamental, descriptive-analytical, and based on a systematic review of credible sources; including the Holy Quran, the Torah, the Bible, authentic Shia and Sunni exegeses, the narrations of the Ahl al-Bayt (AS), Nahj al-Balagha, and interdisciplinary studies. Initially, texts related to keywords such as "trial," "calamities," "affliction," and "hazards" were collected and categorized; then, through content analysis, common and distinct dimensions were extracted, and a comparative model of the origin of hazards in divine religions was developed. The findings indicate that all three monotheistic religions primarily regard hazards as a result of sin and disobedience; in Judaism, with an emphasis on divine warnings and tests; in Christianity, accompanied by eschatological signs; and in Islam, as an educational trial, spiritual purification, moral awakening, and a tool for enhancing resilience, which is directly linked to human actions. The proposed model explains the origin of hazards in five dimensions (collective sin, educational tribulation, ingratitude for blessings, divine will, and punishment and warning) and highlights the effectiveness of religion in enhancing spiritual awareness, psychological peace, and social resilience. The results suggest that religious reinterpretation of hazards and the creation of a nature-oriented discourse by cultural and governmental institutions can improve crisis management and mitigate their destructive effects.

Cite this article: Alamdar, Esmail; Ayask, Ali Arabi; Farsi, Fatemeh Zahra; A Comparative Study of the Effectiveness of Monotheistic Religions in Confronting Environmental Hazards with an Emphasis on Islamic Teachings, *Religious studies and efficiency*, 6(1), 117-138.

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_21735.html

Publisher: University of Tabriz



بررسی تطبیقی کارآمدی ادیان توحیدی در مواجهه با مخاطرات محیطی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی



اسماعیل علمدار^۱، علی عربی آیسک^۲، فاطمه زهرا فارسی^۳

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. ایمیل: (esmaeil.alamdar@birjand.ac.ir)
 ۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی سبزواری، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران. ایمیل: (arabi@quran.ac.ir)
 ۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته مخاطرات محیطی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. ایمیل: (fatemeh-zahra-farsi@birjand.ac.ir)

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:
مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۰۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۳/۱۹

کلید واژه‌ها:

کارآمدی دین؛ ادیان توحیدی؛ رویکرد ذات نگر؛ مخاطرات محیطی؛ تاب آوری معنوی.

مخاطرات محیطی به عنوان پدیده‌های جدایی‌ناپذیر از زندگی انسانی، همواره نگرش‌ها، باورها و رفتارهای فردی و اجتماعی را شکل داده‌اند. در رویکردهای غالب معاصر، مدیریت این مخاطرات عمدتاً مادی و سکولار است؛ در حالی که ادغام دیدگاه‌های معنوی ادیان توحیدی (اسلام، یهودیت و مسیحیت) می‌تواند درک عمیق‌تری از ریشه‌ها و پیامدهای آن‌ها فراهم کند. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی کارآمدی این ادیان در مواجهه با مخاطرات محیطی و ارائه مدل منشأ مخاطرات از منظر دینی، انجام شده است. روش تحقیق بنیادی، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مرور سیستماتیک منابع معتبر است؛ شامل آیات قرآن کریم، تورات، انجیل، تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت، روایات اهل بیت(ع)، نهج‌البلاغه و مطالعات میان‌رشته‌ای. ابتدا متون مرتبط با کلیدواژه‌هایی چون «امتحان»، «بلايا»، «مصیبت» و «مخاطرات» گردآوری و دسته‌بندی شد؛ سپس با تحلیل محتوایی، ابعاد مشترک و متمایز استخراج گردید و مدل تطبیقی منشأ مخاطرات در ادیان الهی تدوین شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر سه دین توحیدی مخاطرات را عمدتاً نتیجه گناه و نافرمانی می‌دانند؛ در یهودیت با تأکید بر هشدارها و آزمون‌های الهی، در مسیحیت همراه با نشانه‌های آخرالزمانی، و در اسلام به عنوان آزمون تربیتی، تطهیر معنوی، بیداری اخلاقی و ابزار رشد تاب‌آوری، که مستقیماً با اعمال انسانی پیوند دارد. مدل پیشنهادی پژوهش، منشأ مخاطرات را در پنج بعد (گناه جمعی، ابتلای تربیتی، کفران نعمت، إذن الهی، تنبیه و هشدار) تبیین می‌کند و کارآمدی دین را در تقویت آگاهی معنوی، آرامش روانی و تاب‌آوری اجتماعی برجسته می‌سازد. نتایج حاکی است که بازخوانی دینی مخاطرات و گفت‌وگوهای فطرت‌محور توسط نهادهای فرهنگی و حاکمیتی، می‌تواند مدیریت بحران‌ها را بهبود بخشد و آثار مخرب آن را کاهش دهد.

استناد: علمدار، اسماعیل؛ آیسک، علی عربی؛ فارسی، فاطمه زهرا (۱۴۰۵)، بررسی تطبیقی کارآمدی ادیان توحیدی در مواجهه با مخاطرات محیطی با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، *دین پژوهی و کارآمدی*، ۶ (۱)، ۱۱۷-۱۳۸.

https://nrr.tabrizu.ac.ir/article_21735.html

ناشر: دانشگاه تبریز.

۱- مقدمه

مخاطرات محیطی همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات انسانی بوده و تأثیرات عمیقی بر جوامع، فرهنگ‌ها و الگوهای رفتاری افراد نهاده‌اند. این مخاطرات از رابطه انسان با محیط پیرامون نشأت می‌گیرند؛ به گونه‌ای که پدیده‌هایی که خطر می‌نامیم، در صورت عدم تعامل انسانی با طبیعت، از رفتارهای معمول آن محسوب می‌گردند (علیجانی، ۱۳۹۳ش: ص ۲). پایگاه‌های داده جهانی نشان می‌دهند که تعداد رویدادهای فاجعه‌بار بین نیمه اول و دوم قرن بیستم به شدت افزایش یافته است. (Gillard & Texier, 2010: 81)

در عصر حاضر، مخاطرات زیست‌محیطی نظیر تغییرات اقلیمی، آلودگی شدید، بلایای طبیعی و بحران منابع، به چالش‌هایی فراگیر بدل شده‌اند و بررسی نحوه مواجهه انسان با آن‌ها ضرورتی روزافزون یافته است. با تسلط انسان مدرن بر طبیعت، شاهد دگرگونی عمده محیط زیست مطابق اراده انسانی هستیم؛ پدیده‌ای که در مسیر تأمین منافع آنی و لذت‌های زودگذر، به تخریب گسترده زیست‌بوم منجر شده است (بیات و همکاران، ۱۴۰۰ش: ص ۳۴). تقریباً در تمام جوامع، پیوند نزدیکی بین دین و بلایا وجود دارد (Taylor, 1978: 251) و نیاز مردم به درک بلایا، اغلب مسائل دینی را در بر می‌گیرد. (Hofman & Oliver-Smith, 1999: 8)

با وجود این، خلأ جدی در بدنه دانش موجود، فقدان الگویی عملیاتی و کارآمد از منظر ادیان توحیدی برای تبیین علل بلایای طبیعی و ارائه راهبردهای عملی مدیریت و تاب‌آوری در برابر آن‌هاست. مطالعات موجود عمدتاً یا بر تحلیل علمی-طبیعی بلایا تمرکز دارند یا به تفسیرهای نظری دینی بسنده کرده‌اند، بدون آنکه به کاربردی عملی آموزه‌های دینی در سیاست‌گذاری، آموزش عمومی، اصلاح رفتار جمعی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی بپردازند.

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی کارآمدی ادیان توحیدی (اسلام، یهودیت و مسیحیت) در مواجهه با مخاطرات محیطی و ارائه مدل منشأ مخاطرات از منظر دینی، با تأکید ویژه بر آموزه‌های اسلامی به عنوان محور اصلی تحلیل انجام می‌شود. قرآن کریم رابطه مستقیم میان رفتار انسانی و رخدادهای طبیعی-اجتماعی برقرار می‌کند: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» (شوری/۳۰). آیات متعدد دیگری از جمله روم/۴۱، اعراف/۹۶، انفال/۵۳، رعد/۱۱، غافر/۲۱، اسراء/۱۶، مومنون/۴۴ نیز این رابطه را تأیید می‌کنند. با این حال، چالش اصلی، تبدیل این آموزه‌های نظری به الگویی عملی برای پیشگیری، مدیریت بحران و بازسازی اخلاقی-اجتماعی است؛ خلأیی که پژوهش حاضر قصد پر کردن آن را دارد.

هدف اصلی پژوهش این است که چگونه می‌توان از منظر تطبیقی ادیان توحیدی، بلایای طبیعی را به عنوان فرصتی برای اصلاح رفتار فردی-جمعی، تقویت تاب‌آوری اجتماعی و تحقق توسعه پایدار دینی به کار گرفت؟ آموزه‌های قرآنی در پنج بعد (گناه جمعی، ابتلای تربیتی، کفران نعمت، إذن الهی، تنبیه و هشدار) الگویی چندلایه و کارآمد ارائه می‌دهند که با مقایسه تطبیقی آن با آموزه‌های یهودیت و مسیحیت، می‌توان مدل جامعی برای تبیین منشأ مخاطرات و کاربردی عملی آن در جوامع فراهم ساخت. این مدل با عملیاتی‌سازی ابعاد مشترک

و متمایز ادیان الهی، امکان کاهش مخاطرات محیطی، ارتقای تاب‌آوری جوامع و توسعه‌ای مبتنی بر عدالت، تقوا و مسئولیت زیست‌محیطی را فراهم می‌آورد.

این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای (تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت، روایات اهل بیت(ع)، نهج‌البلاغه و مطالعات میان‌رشته‌ای) انجام می‌شود. ابتدا آیات و روایات مرتبط با علل بلایای طبیعی از متون سه دین توحیدی گردآوری و دسته‌بندی می‌شوند؛ سپس با تحلیل محتوایی تطبیقی، ابعاد مشترک و متمایز استخراج و در نهایت، مدل منشأ مخاطرات در ادیان الهی تدوین و راهبردهای عملیاتی برای کاربست در سیاست‌گذاری، آموزش و مدیریت بحران پیشنهاد می‌گردد.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل تطبیقی مخاطرات محیطی در ادیان توحیدی (اسلام، یهودیت و مسیحیت)، به‌ویژه با تأکید بر آموزه‌های اسلامی، از سایر مطالعات متمایز است؛ زیرا به‌جای تمرکز صرف بر آموزه‌های دینی یک دین یا تحلیل‌های نظری پراکنده، رابطه مخاطرات با ابعاد روانی، معنوی و فلسفی انسان را در چارچوب مقایسه‌ای سه دین الهی بررسی می‌کند و با ارائه مدل تطبیقی منشأ مخاطرات در ادیان توحیدی (بر اساس ابعاد پنج‌گانه استخراج‌شده از قرآن و مقایسه با تورات و انجیل)، چارچوبی نظری عملی برای تبیین علل بلایا از منظر دینی و علمی فراهم می‌سازد. این مدل، منشأ مخاطرات را در ابعاد مشترک (مانند نتیجه گناه و نافرمانی، آزمون الهی و هشدار) و متمایز (مانند تأکید اسلام بر جنبه تربیتی، تطهیر معنوی و بیداری اخلاقی) تبیین می‌کند و برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً توصیفی یا تک‌دینی بوده‌اند، امکان کاربست عملی در سیاست‌گذاری، آموزش عمومی و تقویت تاب‌آوری اجتماعی را فراهم می‌آورد. همچنین به نقش آگاهی معنوی، ایمان، دعا و اخلاق دینی در ارتقای تاب‌آوری جوامع در برابر مخاطرات پرداخته و برخلاف مطالعات تطبیقی صرف، این پژوهش به کارکردهای تربیتی، هشداردهنده و روان‌شناختی مخاطرات در زندگی فردی و اجتماعی می‌پردازد.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده/سال	مهمترین یافته‌ها
1	تأثیر سوانح و بلاهای طبیعی و غیر طبیعی بر امر آموزش و چگونگی مدیریت آن	علی‌دادی آیدین و علی‌دادی آسیه / 1403	پیامدهای بلاها بر نظام آموزشی را بررسی کرده‌اند و بر ضرورت مدیریت بحران در محیط‌های آموزشی تأکید داشته‌اند، اما از منظر دینی یا معنوی به مخاطرات نپرداخته‌اند.
2	نقش اعتقادات در حفظ محیط زیست از دیدگاه قرآن	الماسوندی و همکاران / 1401	با تمرکز بر آموزه‌های قرآنی، حفاظت از محیط زیست را وظیفه‌ای اخلاقی و دینی معرفی کرده‌اند، اما به نقش تربیتی مخاطرات در هدایت انسان توجهی نشده است.
3	بررسی تطبیقی آموزه‌های محیط زیستی طبیعی در اسلام و زرتشت با تأکید بر قرآن و ندیاد	اویسی / 1400	در مطالعه‌ای تطبیقی میان اسلام و زرتشت، به اشتراک‌ها و تفاوت‌های آموزه‌های محیط زیستی پرداخته، اما مخاطرات را صرفاً در چارچوب حفظ محیط زیست بررسی کرده و از تحلیل کارکردهای معنوی آن‌ها غافل مانده است.
4	نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلاهای طبیعی	ترخان / 1399	عوامل فرامادی مانند دعا، ایمان و اعمال نیک را در کاهش بلاها مؤثر دانسته، اما به نقش مخاطرات در رشد روانی و فلسفی انسان توجه نکرده است.
5	تأثیر باور دینی در نحوه برخورد با محیط زیست	رفیعا و ساطع / 1394	نگرش دینی را عامل مؤثر در کاهش رفتارهای مخرب زیستمحیطی معرفی کرده‌اند، اما مخاطرات را به‌عنوان ابزار تربیتی و آزمون الهی تحلیل نکرده‌اند.
6	نقش آموزه‌های قرآنی و دینی در کاهش بلاهای طبیعی	کاظم زاده / 1392	بلاها را نتیجه گناه و ابزار برای بیداری انسان دانسته، اما به مدل‌سازی علل مخاطرات در ادیان الهی نپرداخته است.
7	بررسی علل وقوع بلاها و حوادث طبیعی از دیدگاه قرآن و احادیث	حکمتچناه / 1391	بلاها را فرصتی برای بازنگری در باورها معرفی کرده، اما از منظر فلسفه وجودی انسان و رویکرد ذات‌نگر به مخاطرات توجهی نداشته است.
8	رویکرد های دینی و احادیث مذهبی درباره مخاطرات و حوادث غیر مترقبه طبیعی	حسینی / 1386	در پژوهشی با تمرکز بر آیات و احادیث اسلامی، بلاهای طبیعی را معنادار دانسته و آن‌ها را نتیجه اعمال انسان یا آزمونی الهی معرفی کرده است. این مطالعه بیشتر جنبه تفسیری دارد و به ابعاد روان‌شناختی یا فلسفی مخاطرات توجهی نکرده است.
9	نقش دین در برداشتهای محلی از بلاها: مطالعه‌ای در مورد تحولات دینی و اجتماعی پس از سونامی در ساموآ	هلومگارد / 2019	در نتایج پژوهش به این مسأله اشاره می‌کند که در هنگام و پس از سونامی، کلیسا و مبلغان مسیحی نقش مهمی در بازیابی روحی و مدیریت هیجان مردم آسیب‌پذیر دارند.
10	پاسخ به بلاها در چارچوب سنت مسیحی با اشاره به فوران‌های آتشفشانی و زمین‌لرزه‌ها	چستر و دونکن / 2010	او بینش‌هایی در مورد راه‌هایی که برداشتهای مذهبی می‌توانند بر نحوه و آکنش مردم به بلاها، نحوه تجربه و درک خطر و نحوه تأثیر باورهای مذهبی بر آسیب‌پذیری و تاب‌آوری هنگام مواجهه با خطرات و تجربه بلاها تأثیر بگذارند، ارائه داده است.
11	تعبیر و تفسیرهای دینی از سونامی در استان ساتون، جنوب تایلند	مرلی / 2005	در پژوهشی به مطالعه دین و بلاها با اهمیت باورهای مذهبی در شکل‌دهی رفتار مردم در مواجهه با مخاطرات می‌پردازد و نقش گروه‌های مذهبی و ایمانی را در کاهش خطر بلاها مهم می‌داند. او ادعا می‌کند که گروه‌های مذهبی معمولاً به خوبی در جوامع محلی ادغام شده‌اند و برخی از آنها سرمایه اجتماعی بالایی در بین مردم دارند. بنابراین اغلب قادر به پاسخگویی به بلاها در مدت زمان بسیار کوتاهی هستند.

روش پژوهش

این پژوهش ماهیتی توصیفی-تحلیلی دارد و با هدف بررسی جایگاه و تبیین نقش مخاطرات محیطی در ادیان الهی، به‌ویژه در تعالیم اسلامی، انجام گرفته است. در فرایند گردآوری داده‌ها، از روش مرور نظام‌مند بهره گرفته شده است؛ روشی که به‌دلیل دقت، شفافیت و قابلیت بازتولید، در پژوهش‌های علوم انسانی و الهیات کاربرد گسترده‌ای دارد. این مرور در چند مرحله‌ی متوالی انجام شد: نخست با جست‌وجوی جامع و حساس منابع، سپس با پالایش تخصصی و انتخاب هدفمند متون مرتبط برای تحلیل نهایی. این روش، ابزاری کارآمد

برای تحلیل جامع و یکپارچه‌سازی داده‌های پراکنده است (Silva, 2015: 48; De Leo et al, 2016: 48).
 (15) و امکان ارائه تصویری منسجم از موضوع را فراهم می‌کند (Senders et al, 2016: 18).

مراحل پژوهش:

۱. تأمل در مسئله: پژوهش با علاقه به مخاطرات محیطی در جهان معاصر شکل گرفت. پرسش اصلی این است: ادیان الهی چه نگرشی به مخاطرات دارند، منشأ آن‌ها را چگونه تبیین می‌کنند و رسالتشان چیست؟

۲. گردآوری داده‌ها: جست‌وجو با کلیدواژه‌های «مخاطرات محیطی»، «بلایا»، «مصیبت» و «خطر» در قرآن کریم، تورات و انجیل انجام شد. داده‌ها از منابع معتبر داخلی و بین‌المللی استخراج، دسته‌بندی و مقوله‌بندی شدند.

۳. ارائه چارچوب مفهومی: مبانی نظری با استناد به منابع اسلامی، یهودی و مسیحی تحلیل شد و چارچوب مفهومی پژوهش به صورت شماتیک ارائه گردید.

این روش‌شناسی نظری، با تکیه بر منابع دینی، بینشی جامع از نگرش ادیان به مخاطرات فراهم کرده است. در مرحله تحلیل، ابعاد مشترک و متمایز نگرش سه دین توحیدی (اسلام، یهودیت و مسیحیت) به مخاطرات استخراج گردید و مدل تطبیقی منشأ مخاطرات در ادیان الهی (شامل پنج بعد کلیدی: گناه جمعی، ابتلای تربیتی، کفران نعمت، إذن الهی، تنبیه و هشدار) تدوین شد. این مدل بر پایه مقایسه محتوایی متون مقدس (قرآن کریم، تورات و انجیل) و تفاسیر معتبر بنا شده و امکان کاربست عملی در سیاست‌گذاری و مدیریت بحران را فراهم می‌کند.

۲- چارچوب نظری پژوهش

مفهوم مخاطره، در ادبیات علمی، به پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توانند سلامت، امنیت، و پایداری جامعه انسانی و محیط زیست را تهدید کنند. مخاطرات محیطی مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی‌اند که در تعامل با هم، شرایطی خطرآفرین برای جوامع پدید می‌آورند (Wisner, 2003: 5). واژه «hazard» در زبان انگلیسی به معنای هشدار و خطر است که در فارسی معادل «مخاطره» و در عربی معادل «اخطار» ترجمه شده است (مقیمی، ۱۳۹۳: ۴). این مخاطرات به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

- مخاطرات طبیعی: شامل زلزله، سیل، طوفان، خشکسالی و دیگر پدیده‌های جوی و زمینی
 - مخاطرات انسانی: شامل بیماری‌های واگیر، بحران‌های صنعتی، فقر، گرسنگی، جنگ و حملات تروریستی
- در چارچوب نظری این پژوهش، مخاطرات نه تنها به عنوان تهدیدات فیزیکی، بلکه به عنوان پدیده‌هایی با ابعاد معنوی، تربیتی و فلسفی در نظر گرفته شده‌اند. ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، نگاه معناگرا و هدف‌مندانه‌ای به مخاطرات دارند و آن‌ها را بخشی از نظم الهی در آزمون و پرورش انسان می‌دانند.

۲-۱- نگرش قرآنی به مخاطرات و طبیعت

قرآن کریم طبیعت را نه صرفاً بستر زیست، بلکه آیت و نشانه‌ای از قدرت و تدبیر الهی معرفی می‌کند. بسامد واژگان مرتبط با طبیعت در آیات مانند: ارض (۴۶۱ بار)، سماء (۳۱۰ بار)، ماء (۶۴ بار)، شمس (۳۳ بار)، جبل (۳۹ بار)، قمر (۲۷ بار)، نشان‌دهنده اهمیت محیط زیست در جهان‌بینی اسلامی است. آیات مانند: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر: ۴۹) و «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف: ۵۶) بر نظم آفرینش و ضرورت پرهیز از فساد محیطی تأکید دارند.

انسان در قرآن به‌عنوان خلیفه خدا معرفی شده است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و مسئولیت حفظ و توسعه عادلانه طبیعت را برعهده دارد. با وجود آنکه انسان مخلوقی برتر است و صاحب هوش و فکر است، اما این توانمندی‌ها در حال تکامل‌اند و کامل نشده‌اند (همان، ۳۷).

۲-۲- نگرش عهدینی (تورات)

در تورات نیز به نقش انسان در مدیریت و مسئولیت طبیعت اشاره شده است: «خدا آدم را به صورت خود آفرید ... بارور و کثیر شوید ... و بر همه حیواناتی که بر زمین می‌خزند حکومت کنید» (پیدایش، باب ۱: ۲۷-۲۸). این آیه به نوعی تأکید بر تسلط انسان دارد، اما دیدگاهی دیگر در الهیات عهدینی، انسان و طبیعت را دارای منزلت معنوی یکسان می‌داند و خداوند را در همه اجزای هستی تجلی یافته تلقی می‌کند (مقیم، ۱۳۹۳: ۳۸).

۲-۳- رویکردهای انسان‌محور به مخاطرات

انسان و طبیعت هر دو دارای فطرت الهی هستند که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «فطرت الله التي فطر الناس عليها» (روم، ۳۰). مخاطره‌شناسی به عنوان یک امر فطری، در چهار رویکرد انسان‌محور بررسی می‌شود که همگی بر پایه اصول دینی و فلسفی استوارند و به شکوفایی فطرت و کاهش مخاطرات می‌انجامند (مقیم، ۱۳۹۳: ۴۷-۵۹).

رویکردها:

۱. انسان به عنوان مخلوق برتر: انسان با بهره‌گیری از هوش و تفکر فطری، قادر به کاهش مخاطرات است. این ویژگی، زندگی جوامع را بهبود می‌بخشد و امید به آینده‌ای با مخاطرات کمتر ایجاد می‌کند (همان: ۴۷).

۲. برابری فطری انسان و طبیعت: انسان بخشی از مخلوقات الهی است و با پدیده‌های طبیعی مانند زلزله تحول می‌یابد. صیانت از طبیعت، به عنوان امری فطری، به کاهش مخاطرات کمک می‌کند (همان: ۴۴).

۳. اختیار و خوددوستی انسان: علاقه به سلامت ریشه در خوددوستی دارد که به محبت به طبیعت و خدا گسترش می‌یابد. این اختیار، رفتارهای دوگانه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند مخاطرات را افزایش یا کاهش دهد (همان: ۴۷).

۴. بخشش طبیعت: پدیده‌های طبیعی (مانند گل یا آب گوارا) برای بهره‌مندی انسان آشکار می‌شوند و لزوماً مخاطره‌آمیز نیستند. این بخشش، فطرت انسان را شکوفا کرده و مخاطرات را کاهش می‌دهد (همان: ۵۹).

نگاه تربیتی و معناگرا: مخاطرات نه تهدید، بلکه ابزار تربیتی و آزمون الهی هستند که رشد روحی و آگاهی بشر را تسهیل می‌کنند (همان: ۴۴). این چارچوب، مخاطرات را در ادیان الهی به عنوان عناصری معنوی و تربیتی معرفی می‌کند. پژوهش حاضر با تکیه بر این بنیان نظری، فهمی جامع از جایگاه مخاطرات در متون دینی و فلسفه انسانی ارائه می‌دهد و بر لزوم رویکردهای انسان‌محور برای مدیریت مخاطرات تأکید دارد.

۳- یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش بر پایه تحلیل تطبیقی متون مقدس سه دین توحیدی (اسلام، یهودیت و مسیحیت) به دست آمده است. هر سه دین مخاطرات محیطی را پدیده‌هایی معنادار و مرتبط با رفتار و انتخاب‌های انسانی می‌دانند و عمدتاً آن را نتیجه گناه، نافرمانی یا انحراف از مسیر الهی تفسیر می‌کنند؛ با این تفاوت که اسلام علاوه بر جنبه تنبیهی و هشداردهنده، مخاطرات را ابزاری برای آزمون تربیتی، تطهیر معنوی، بیداری اخلاقی و تقویت تاب‌آوری معرفی می‌کند. این تحلیل تطبیقی منجر به استخراج و تدوین مدل منشأ مخاطرات در ادیان الهی گردید که ابعاد پنج‌گانه کلیدی (گناه جمعی، ابتلای تربیتی، کفران نعمت، إذن الهی، تنبیه و هشدار) را پوشش می‌دهد و پایه پژوهش است.

باورهای مختلفی در مورد وقوع بلاها و روش‌های مختلف برای واکنش به آنها وجود دارد. این ایده‌ها و دیدگاه‌ها از قرن‌ها پیش تاکنون وجود داشته‌اند. بسیاری از تمدن‌ها، بلایای طبیعی را به دین و خدای خود مرتبط می‌دانند. (Ghafory-Ashtiany, 2018: 218) با توجه به اهمیت موضوع در این بخش یافته‌های پژوهش به بررسی نقش و جایگاه مخاطرات و بلایای طبیعی از نگاه ادیان ابراهیمی (یهودی، مسیحیت و اسلام) پرداخته شده است.

باورهای مختلفی در مورد وقوع بلاها و روش‌های مختلف برای واکنش به آنها وجود دارد. این ایده‌ها و دیدگاه‌ها از قرن‌ها پیش تاکنون وجود داشته‌اند. بسیاری از تمدن‌ها، بلایای طبیعی را به دین و خدای خود مرتبط می‌دانند. (Ghafory-Ashtiany, 2018: 218) با توجه به اهمیت موضوع در این بخش یافته‌های پژوهش به بررسی نقش و جایگاه مخاطرات و بلایای طبیعی از نگاه ادیان ابراهیمی (یهودی، مسیحیت و اسلام) پرداخته شده است.

۳-۱- جایگاه مخاطرات در دین یهود

یهودیت، آیینی توحیدی با کتابی آسمانی و موضوع بعثت پیامبرانی الهی است. این دین حدود ۳۵۰۰ سال پیش در منطقه خاورمیانه، به‌ویژه در سرزمین اسرائیل شکل گرفت و در میان ادیان جهان، بیشترین شباهت را به اسلام دارد. اشتراکات فراوانی میان یهودیت و اسلام در حوزه‌های فقهی و حقوقی وجود دارد. آیین یهودیت، دینی مبتنی بر نژاد تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که تنها فردی که از پدر و مادر یهودی زاده شده باشد، یهودی محسوب می‌گردد (ساقی، ۱۳۹۸: ۸).

حضرت موسی(ع) به‌عنوان یکی از پیامبران بزرگ یهودیت، نقش برجسته‌ای در بنیان‌گذاری تمدنی الهی و انسانی ایفا کرد. اقدامات او شامل نشر توحید، مبارزه با استکبار، نابودی اشرافیت و مالکیت‌های ناعادلانه، نجات بنی‌اسرائیل، تلاش برای تشکیل دولت و ملت واحد، و تأسیس شریعتی آسمانی بود. ایشان به‌عنوان رهبری آگاه و اصلاح‌گر، با حکمت و تدبیر در برابر فتنه‌ها و بحران‌های اجتماعی ایستادگی کرد و راه‌حلی مناسب ارائه داد. در جریان این تحولات، حضرت موسی توانست از جامعه‌ای پراکنده و متزلزل، ساختاری منسجم و متحد پدید آورد. رسالت او، اصلاح اجتماعی و ایجاد دولتی اصلاح‌گر بود؛ چرا که در تورات، بلايا و مخاطرات محیطی به‌عنوان نتایج اعمال انسان‌ها معرفی شده‌اند. از این‌رو، اصلاحات اجتماعی مورد نظر حضرت موسی می‌تواند در کاهش بلايا و بهبود وضعیت اجتماعی و زیست‌محیطی مؤثر باشد. در کتاب مقدس عبری (تورات)، مخاطرات طبیعی و اجتماعی در سه دسته اصلی طبقه‌بندی شده‌اند:

۳-۱-۱ نتیجه نافرمانی و گناه

در سنت‌های دینی، به‌ویژه در متون عهد عتیق، نافرمانی انسان از فرمان‌های الهی اغلب با وقوع بلايا و فجایع طبیعی یا اجتماعی همراه بوده که نمادی از هشدار، عقوبت و عدالت الهی محسوب می‌شوند. سه نمونه برجسته از این آموزه عبارت‌اند از:

ده بلای مصر: در کتاب خروج (شموت)، باب‌های ۷ تا ۱۲، به ده بلایی اشاره شده که به‌سبب سرپیچی فرعون از فرمان الهی در مورد آزادی بنی‌اسرائیل، بر سرزمین مصر نازل شد. این بلايا از تبدیل آب نیل به خون گرفته تا هجوم وزغ‌ها، گسترش پشه‌ها و مگس‌ها، مرگ دام‌ها، بارش تگرگ و دیگر نشانه‌های قهر الهی را شامل می‌شوند. این حوادث، نمادی از تقابل انسان متکبر با اراده خداوند هستند که عاقبتی جز سقوط و عبرت تاریخی نداشتند.

هلاکت سدوم و عموره: در کتاب پیدایش، باب ۱۹، داستان نابودی شهرهای سدوم و عموره بر اثر فساد شدید اخلاقی، تجاوز به حقوق انسانی و بی‌توجهی به ارزش‌های الهی آمده است. آتش و گوگردی که از آسمان بر این دو شهر فرو ریخت، نمادی از عقوبت سخت الهی و ضرورت پایبندی به معیارهای اخلاقی و دینی به شمار می‌رود.

طوفان نوح: در باب ۷ کتاب پیدایش، واقعه طوفان نوح به‌عنوان یکی از فراگیرترین بلايای الهی مطرح شده است. در این روایت، انحراف گسترده بشر از راه خداوند، موجب غضب الهی و نابودی تمامی موجودات جز

نوح و همراهانش می‌گردد (ساقی، ۱۳۹۸: ۲۲-۲۳). این حادثه، بار دیگر بر ضرورت اطاعت، ایمان‌ورزی، و پرهیز از گناه تأکید می‌کند.

۳-۱-۲- هشدارها و نشانه‌های الهی

در متون مقدس، وقوع بلایای طبیعی همچون خشکسالی و قحطی، غالباً به‌عنوان نشانه‌هایی از هشدار الهی نسبت به انحراف انسان از مسیر فرمان‌های خداوند معرفی شده‌اند. در کتاب تثنیه، باب ۲۸، آیات ۲۳ و ۲۴، تصویری نمادین از تنبیه الهی ارائه می‌شود؛ آسمان به‌سان مس سخت، و زمین همچون آهن بی‌حاصل خواهد شد. در این آیات آمده است: «آسمانی که بالا سرتو است مس خواهد شد و زمینی که زیر تو است آهن. خداوند بارانی که بر سرزمینتان خواهد بارید را به گرد و غبار تبدیل می‌کند که از آسمان بر تو نازل می‌شود تا هلاک شوی» (ساقی، ۱۳۹۸: ۳۱۵). این توصیف، مفهوم خشکسالی را فراتر از یک رخداد طبیعی مطرح کرده و آن را به‌عنوان نماد قطع ارتباط انسان با رحمت الهی و نتیجه ترک اطاعت از خداوند قلمداد می‌کند. چنین رویکردی در سنت‌های دینی، عاملی تربیتی-هشدارآمیز به‌شمار آمده و مخاطب را به بازگشت به عهد الهی، اصلاح رفتار و احیای ایمان دعوت می‌کند.

۳-۱-۳- آزمون و امتحان الهی

در متون مقدس یهودی، مخاطرات و وقایع سخت، صرفاً به‌عنوان مجازات یا تنبیه الهی مطرح نشده‌اند، بلکه جنبه‌ای تربیتی و ایمانی نیز برای آن‌ها قائل شده‌اند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها، داستان آزمون ایمان حضرت ابراهیم (ع) در کتاب پیدایش، باب ۲۲ است. در این روایت، خداوند ابراهیم را مأمور می‌کند تا فرزندش اسحاق را قربانی کند، تا بدین وسیله ایمان، اطاعت و تقوای او سنجیده شود. «و خدا ابراهیم را آزمود و گفت: پسر خود، یگانه‌ات را که دوستش می‌داری، اسحاق را بگیر و به سرزمین موریابرو و او را به‌عنوان قربانی در یکی از کوه‌هایی که به تو خواهم گفت، قربانی کن» (ساقی، ۱۳۹۸: ۴۱-۴۲). این واقعه، یکی از بنیادی‌ترین نمونه‌های آزمون الهی در سنت دینی یهود به‌شمار می‌رود؛ جایی که مخاطره‌ای بزرگ نه برای مجازات، بلکه برای اثبات پایبندی و وفاداری به عهد الهی رقم می‌خورد. چنین برداشت‌هایی، نشانگر آن‌اند که بلاها و سختی‌ها در بسیاری از موارد، ابزارهایی برای تربیت روح، تعالی ایمان، و تعیین جایگاه انسان در برابر اراده الهی هستند.

۳-۲- جایگاه مخاطرات در دین مسیحیت

مسیحیت، یکی از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین ادیان جهان، بر تعالیم و زندگی حضرت عیسی مسیح (ع) استوار است؛ پیامبری الهی که در سرزمین فلسطین مبعوث شد و با پیام آسمانی و اخلاقی خود، تحولی ژرف در اندیشه و رفتار مردم زمان خویش ایجاد کرد. آموزه‌های ایشان، به‌ویژه در «موعظه سرکوه» (انجیل متی، باب ۵)، بر اصولی چون عدالت، مهربانی، صلح‌طلبی، صدقه، بخشش و گذشت تأکید دارند و مخاطبان را به سوی خداوند و

دوری از شرک، ظلم و فساد دعوت می‌کنند. در مسیحیت، مخاطرات طبیعی نه تنها به‌عنوان پدیده‌هایی فیزیکی، بلکه به‌مثابه نشانه‌هایی الهی با کارکردهای گوناگون تلقی شده‌اند:

۳-۲-۱- نتیجه گناهان و نافرمانی‌ها

نگاه به بلایا به عنوان اعمال خدا و مجازات خدا، رویکردی که در اکثر ادیان بویژه مسیحیت غالب است. این دیدگاه بر گناه و گناهکاری قربانیان تأکید دارد که باید توسط عناصر طبیعت مجازات شوند. چنین برداشتی از بلایا اغلب با نگرش‌های تقدیرگرایانه و جبرگرایی مرتبط است ظاهراً این امر منجر به رفتارهای نامناسب یا درمانده در مواجهه با خطرات طبیعی می‌شود. چنین گفتمانی در مورد تقدیرگرایی مدت‌هاست که در جوامع سنتی و پیشاصنعتی در اروپای قرون وسطی و در کشورهای به اصطلاح در حال توسعه معاصر اعمال شده است. (Akasoy, 2007: 387) در انجیل لوقا، فصل ۱۷، آیه ۲۷، به داستان طوفان نوح اشاره شده است؛ جایی که مردم در غفلت و خوش‌گذرانی بودند تا آن‌که ناگهان طوفان آمد و همه را نابود ساخت (لوقا: ۹۹۰). این روایت، بلایای طبیعی را نتیجه بی‌توجهی انسان به هشدارهای الهی و نافرمانی از اراده خداوند معرفی می‌کند. کی‌یرگور، از فیلسوفان برجسته‌ی مسیحی، با تکیه بر متون دینی، بر این باور است که گرفتار شدن انسان در زندگی‌ای آکنده از مخاطرات محیطی، ریشه در پدیده‌ی گناه دارد. او معتقد است که نجات‌بخش، یعنی مسیح، قادر است وضعیت زیستی انسان‌ها را دگرگون سازد (صبری فرزانه و علمی، ۱۳۹۷: ۵۷).

۳-۲-۲- نشانه‌های آخرالزمان

در کتاب مکاشفه، فصل ۱۶، آیات ۱۸-۲۱، بلایایی چون زلزله‌های بی‌سابقه، فروپاشی شهرها، ناپدید شدن جزایر، و بارش تگرگ‌های عظیم به‌عنوان نشانه‌هایی از پایان زمان توصیف شده‌اند (موسوی، ۱۳۹۴: ۳۷). همچنین در انجیل متی، فصل ۲۴، آیات ۷-۸ و انجیل لوقا، فصل ۲۱، آیات ۱۰-۱۱، به قحطی‌ها، بیماری‌های واگیردار و زلزله‌های گسترده به‌عنوان هشدارهایی نبوتی اشاره شده است (متی: ۹۲۴؛ لوقا: ۹۹۷).

۳-۲-۳- نشانه‌ای از ایمان و اطاعت از خداوند

در داستان آرام‌سازی طوفان دریاچه توسط حضرت عیسی (ع)، که در انجیل متی، فصل ۸، آیات ۲۳-۲۷ و انجیل لوقا، فصل ۸، آیات ۲۲-۲۵ آمده است، طوفان به‌عنوان آزمونی برای ایمان شاگردان تلقی می‌شود. حضرت عیسی با آرام کردن طوفان، قدرت الهی و نقش ایمان در مواجهه با مخاطرات را برجسته می‌سازد (متی: ۹۰۱؛ لوقا: ۹۷۴).

این آموزه‌ها نشان می‌دهند که در مسیحیت، مخاطرات طبیعی می‌توانند هم هشداردهنده، هم نتیجه گناه، و هم آزمونی برای سنجش ایمان باشند. چنین نگاهی، مخاطرات را به ابزاری تربیتی و معنوی تبدیل می‌کند که انسان را به تأمل، توبه و بازگشت به مسیر الهی فرا می‌خواند.

تجربه زیستی چندین منطقه در قاره آمریکا بویژه در برابر مخاطراتی همچون طوفان و سونامی نشان داده است که نقش کلیسا و روحانیون مذهبی با استناد به گزاره‌های دین مسیحیت، نقش مهمی در مدیریت بحران و تاب آوری مردم آسیب دیده داشته است (Mitchell, 2000: 39).

۳-۳ تحلیل علل و عوامل مخاطرات در اسلام

در منظومه معرفتی اسلام، جهان هستی نظامی حکیمانه، هدفمند و قانون‌مند است. بلایای طبیعی نه صرفاً حوادث تصادفی، بلکه پدیده‌هایی معنادارند که در چارچوب توحید، اخلاق و تربیت الهی تفسیر می‌شوند. قرآن کریم و سنت نبوی، این رخدادها را ابزاری برای تربیت فردی و اجتماعی، آزمون ایمان، هشدار اخلاقی، و حتی تنبیه هدفمند معرفی می‌کنند. این نگاه چندبعدی، امکان کارآمدسازی دین در مدیریت بحران‌های طبیعی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

درک این چارچوب معرفتی، بلایا را از «تهدید محض» به «فرصت تربیتی و اجتماعی» تبدیل می‌کند و راهبردهایی عملی برای پیشگیری، تاب‌آوری و بازسازی اخلاقی جوامع ارائه می‌دهد. در ادامه، پنج بعد کلیدی علی و کارکردی بلایای طبیعی از منظر اسلام واکاوی می‌شود.

۳-۳-۱- ارتباط بلایای طبیعی با گناهان و اعمال سوء انسان

در منظومه معرفتی قرآن کریم، رابطه‌ای علی و دوسویه میان افعال اختیاری انسان و تحولات طبیعی، اجتماعی و تمدنی برقرار شده است. این اصل در آیات متعددی مورد تأکید قرار گرفته و به‌ویژه در آیه ۴۱ سوره روم و آیه ۹۶ سوره اعراف برجستگی خاصی یافته است. جهان هستی همچون آینه‌ای شفاف، بازتاب‌دهنده وضعیت درونی و رفتاری انسان است؛ به‌گونه‌ای که تقوا و ایمان سبب نزول خیرات و برکات گردیده و انحراف از مسیر عبودیت الهی منشأ انواع بحران‌ها و اختلالات می‌شود. این بحران‌ها شامل بیماری‌های فراگیر، گسترش خشونت و ناامنی، جنگ‌ها، فروپاشی اقتصادی، و زوال اخلاق عمومی‌اند. تعبیر قرآنی «بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» تأکید بر این دارد که منشأ این تحولات نامطلوب، عملکرد فردی و جمعی انسان‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۲، ص ۱۸۱؛ طیب، ۱۳۷۸ش: ج ۱۰، ص ۳۹۴).

اصلاح رفتار و بازگشت به اصول اخلاقی و معنوی، راهبردی بنیادین برای کاهش مخاطرات اجتماعی و زیستی محسوب می‌گردد. آیه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم/۴۱) به‌روشنی نشان می‌دهد که فساد در زمین و دریا، پیامد انحراف بشر از فطرت الهی است؛ انحرافی که آثار آن در قالب بلایای طبیعی و فروپاشی نظم اجتماعی قابل مشاهده است. تحلیل‌های تفسیری این آیه بیانگر آن‌اند که انسان، برخلاف سایر مخلوقات، با بهره‌برداری نادرست از منابع طبیعی، زمینه تخریب زیست‌بوم و برهم‌خوردن تعادل حیاتی را فراهم می‌سازد (خطیب، بی‌تا: ج ۱۱، ص ۵۳۰-۵۲۹).

بلایایی نظیر خشکسالی، بیماری، ناامنی، و اضطراب روانی، از منظر قرآنی، واکنش الهی به تراکم گناهان و عملکرد منفی جوامع انسانی‌اند (طوسی، بی‌تا: ج ۸، ص ۲۵۷-۲۵۶؛ شبر، ۱۴۱۲ق: ص ۳۸۹). تجربه تلخ این

پیامدها، ابزاری تربیتی برای ایجاد تلنگر و فراهم‌سازی بستر رجوع به مسیر حق است؛ فرآیندی که در ساختار بلاغی آیه با تعبیر «لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» منعکس شده است.

مفهوم «فساد» در این آیات، ابعاد زیست‌محیطی، سیاسی، اقتصادی، و بهداشتی را نیز دربرمی‌گیرد. یافته‌های آماری مرتبط با تخریب محیط زیست، تولید سلاح‌های کشتار جمعی، بی‌ثباتی اجتماعی و شکاف‌های اخلاقی، مصادیق عینی این آموزه قرآنی هستند (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۱۰، ص ۸۳-۷۶). این رابطه میان گناه و پیامدهای زیستی، در روایات اهل بیت نیز مورد تأکید قرار گرفته و حتی حیات حیوانات تابع پاک‌ی یا فساد جوامع انسانی دانسته شده است (قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ج ۱۰، ص ۲۱۳).

بر اساس سنت‌شناسی قرآنی، بلایا نه تنها به‌مثابه کیفر، بلکه به‌عنوان نوعی تربیت الهی برای بیدارسازی وجدان انسانی معرفی شده‌اند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۱۸، ص ۱۴۸-۱۴۵). ساختار بلاغی قرآن، مخاطب را به فهم سنن الهی و علل واقعی پدیده‌ها سوق می‌دهد و زمینه رجوع به ایمان، اخلاق و اصلاح رفتاری را فراهم می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۶، ص ۱۹۷-۱۹۵؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ص ۲۷۷۳). همین منطق در آیه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (اعراف/۹۶) نیز مطرح شده است. برکات مورد اشاره، تنها محدود به باران، نبات، دام و معادن نیستند (شبر، ۱۴۱۲ق: ص ۱۷۹؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ج ۵، ص ۱۴۱)، بلکه امنیت، رضایت، آرامش روانی، رشد اجتماعی و اقتصادی را نیز دربرمی‌گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۶، ص ۲۶۶-۲۶۵؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۳۸۹-۳۹۰). ایمان و تقوا، نیروهای فعالی هستند که زندگی را از اسارت هوای نفس و فساد رهایی داده و به‌سوی تحقق خلافت رشید الهی سوق می‌دهند (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۳۴۰-۱۳۳۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۱۰، ص ۱۹۳). تقوا، مکانیسم کنترلی برای توازن‌انگیزی و جلوگیری از افراط است.

در نقطه مقابل، تکذیب حقیقت و انحراف از مسیر وحی، پیامدهای طبیعی و اجتماعی اجتناب‌ناپذیر دارد. عبارات «فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» بیانگر مکانیسم رفتار جمعی در نزول بلا است (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۳، ص ۳۶۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش: ج ۵، ص ۱۴۱). سنت الهی‌الگویی نظری برای تحلیل توسعه یا زوال جوامع ارائه می‌دهد. جوامعی با ایمان و تقوا، حتی با امکانات اندک، از امنیت پایدار برخوردارند؛ در حالی که وفور ثروت بدون فضیلت، زمینه‌ساز انحطاط اخلاقی و فروپاشی تمدنی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۶، ص ۲۶۸-۲۷۰). در فلسفه تاریخ، سنت الهی نظریه‌ای معتدل میان جبر تمدنی و تصادف محض عرضه می‌کند: تمدن یا حاصل چالش‌های ناشی از فساد است یا محصول پایبندی به رسالت الهی؛ بقای آن وابسته به اخلاقی‌سازی اجتماعی است (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۳۹۰). آیات دیگری همچون عنکبوت/۴، انفال/۵۳، رعد/۱۱، غافر/۲۱، اسراء/۱۶، مومنون/۴۴ نیز بر این اصل تأکید دارند که تحولات طبیعی و اجتماعی، نتیجه عملکرد انسان‌اند. این آموزه در ادیان الهی مشترک است: بلاهای طبیعی از قبیل طوفان، سیل و صاعقه، واکنشی الهی به نافرمانی و دعوت به بازگشت‌اند. از منظر عرفانی، این حوادث برای اهل ایمان نردبانی برای تعالی، برای گناهکاران کفاره‌ای پالاینده، و برای دیگران اندازی بیدارگرند. امام خمینی تأکید می‌کند: «این بلاها تذکر عمیقی است برای آنانی که گوش شنیدن نداشتند تا بیدار گردند» (امام خمینی، ۱۳۸۲ش: ص ۹۷).

۳-۳-۲- ارتباط بلایای طبیعی با ابتلا و امتحان الهی

خداوند متعال جهان را با حکمت آفریده و از طریق انبیاء، مسیر تشریح دین را برای هدایت بشر گشوده تا راهی روشن برای سعادت فراهم آید. این فرآیند فراتر از تعلیمات اخلاقی-معنوی، با ابتلاء فردی و اجتماعی، بستر شکوفایی قابلیت‌های انسانی را ایجاد می‌کند. بلایا و سختی‌ها نه تنها ابزار سنجش صفات، بلکه زمینه تربیت، فعلیت استعدادها و آمادگی برای قرب الهی‌اند. این آزمون‌ها انسان‌ها را بر اساس شایستگی‌های اخلاقی-معنوی تفکیک می‌کنند؛ مهیاشده‌ها به بهشت برین می‌رسند و دیگران از رحمت بی‌نصیب می‌مانند (حسینی، ۱۳۸۶ش: ص ۳).

بلایای طبیعی چون زلزله، سیل، بیماری، و قحطی، و همچنین تهدیدهای پیچیده اقتصادی-اجتماعی، در نگاه دینی، امری تصادفی نیستند؛ بلکه تجلی و مصداق "سنت ابتلاء الهی" به شمار می‌روند. قرآن کریم در آیه ۱۵۵ سوره بقره به صراحت بیان می‌دارد: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۵). این آیه شریفه، مقولاتی چون ترس، گرسنگی، بیماری، نقصان در دارایی‌ها، جان‌ها و محصولات را نه صرفاً مصائب بی‌دلیل، بلکه ابزارهایی برای امتحان و محک زدن ایمان بندگان معرفی می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۳، ص ۱۱۶). این مشقات و سختی‌ها، فرصتی گران‌بها برای رشد روحی، پالایش درونی و تقویت و استحکام بخشی به ایمان تلقی می‌شوند؛ چرا که انسان در مواجهه با فقدان تکیه‌گاه‌های مادی، با یادآوری حقیقت «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، به درک عمیق‌تری از توحید و ضرورت تسلیم در برابر اراده الهی نائل می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۳۵۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ص ۵۳۱).

فلسفه وجودی این امتحانات الهی، شکوفاسازی و بروز ابعاد متعالی و فضائل نهفته در وجود انسان است. خداوند، با علم ازلی و بی‌نهایت خود، بندگان را می‌آزماید تا بر اساس سنجش اعمال و مواضعشان، پاداش یا کیفر مقرر گردد (سید رضی، ۱۴۱۴ق: کلمات قصار، ش ۹۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ص ۵۲۷-۵۲۶). در این نگرش، تمامی موجودات در مسیر تکامل غایی خود قرار دارند و آزمون الهی یکی از بنیادی‌ترین روش‌ها و ابزارهای این فرآیند تکاملی است. شواهد قرآنی، امتحان پیامبران بزرگ الهی مانند ابراهیم(ع) و سلیمان(ع) را در موقعیت‌های مختلف، از جمله مواجهه با ترس، فقدان نعمت یا وفور آن، نشان می‌دهد (بقره/۱۲۴؛ نمل/۴۰؛ آل عمران/۱۵۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ص ۵۳۰). ابزارهای این آزمون‌ها بسیار متنوع‌اند و شامل مواردی چون ترس، گرسنگی، مرگ، ضرر مالی، فقدان فرزندان، رؤیاهای راستین، و حتی تقابل خیر و شر (مواجهه با هر دو سوی نیک و بد) می‌باشند (انبیاء/۳۵؛ مکارم شیرازی، همان: ص ۵۳۰). در نتیجه این ابتلاء، انسان‌ها به دو دسته متمایز تقسیم می‌شوند: کسانی که به دلیل ضعف ایمان، در این امتحانات عقب‌نشینی کرده و متزلزل می‌گردند (مائده/۵)، و مؤمنان حقیقی که با اتکا به توکل الهی و ذکر «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/۱۷۳)، از این مرحله با سربلندی عبور می‌کنند. عوامل کلیدی موفقیت در این آزمون‌ها عبارتند از: استقامت و صبر (که با عبارت «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» مورد تأکید قرار گرفته است؛ بقره/۱۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ص ۵۳۱)، درک ماهیت گذرای دنیا و زندگی مادی (سید رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۹۹)، جهاد در راه حق و پایداری قلبی

(عنکبوت/۶۹)، مطالعه و الگوگیری از صبر پیامبران پیشین (انعام/۱۰، ۳۴)، و آگاهی از نظارت همیشگی و لدنی خداوند، چنان که نوح(ع) کشتی خود را تحت مراقبت و هدایت الهی ساخت (هود/۳۷) و امام حسین(ع) در واقعه عاشورا فرمودند: «هون علی ما نزل بی أنه بعین الله» (یعنی برای من آسان است آنچه بر من فرود می‌آید، زیرا در پیشگاه خداوند است) (مجلسی، ۱۳۸۳ش: ج ۴۵، ص ۴۶؛ مکارم شیرازی، همان: ص ۵۳۳).
 نعمت‌ها نیز آزمون‌اند: «هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ» (نمل/۴۰). آزمون‌ها متناسب با ظرفیت افرادند و ممکن است فردی، ابتلای اجتماعی ایجاد کند؛ مانند فقدان فرزند که همدلی اطرافیان را محک می‌زند (مکارم شیرازی، همان: ص ۵۳۴). ابزارهای امتحان در قرآن: ترس، گرسنگی، مرگ، خیر و شر، مال و فرزندان (بقره/۱۵۵؛ انبیاء/۳۵؛ انفال/۲۸؛ تغابن/۱۵)، مرگ و زندگی (ملک/۲)، زینت‌های دنیا (کهف/۷، ۴۵)، نیکی‌ها و بدی‌ها (اعراف/۱۶۸)، نعمت و نعمت (زمر/۴۹)، فقر و غنا (انعام/۵۳)، جهاد و شکست (آل عمران/۱۴۳، ۱۵۲)؛ همه در سنجش ایمان و رشد معنوی نقش دارند (حسینی، ۱۳۸۶ش: ص ۶).
 بلاای طبیعی مدرسه‌ای تربیتی‌اند؛ هر چالش فرصتی برای تقویت ایمان، پالایش روح و تعالی اخلاق است. آزمون الهی مسیری به مقام رضا، قرب الهی و سعادت ابدی می‌گشاید.

۳-۳-۳- ارتباط بلاای طبیعی با کفران نعمت

از منظر تربیتی قرآن کریم، رابطه‌ای معنادار و قانون‌مند میان «کفران نعمت» و «وقوع بلاهای طبیعی» برقرار است؛ مفهومی که در داستان قوم ثمود به شکلی روشن بیان شده است. قوم ثمود، جامعه‌ای متمدن در مناطق کوهستانی میان شام و حجاز، با روی آوردن به شرک و عبادت اصنام، مسیر هدایت را ترک کردند. خداوند حضرت صالح(ع) را مأمور دعوت به توحید نمود و معجزه شتری ویژه از دل کوه را آشکار ساخت (اعراف/۷۳).
 این «نَاقَةُ اللَّهِ» با نوشیدن آب و تولید شیر، نعمتی الهی در زمینی الهی بود. خداوند هشدار داد: «فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (اعراف/۷۳). اضافه تشریفی «نَاقَةُ اللَّهِ» قداست آن را نشان می‌دهد؛ شتری نماد آزمون ایمانی (طوسی، بی تا: ج ۴، ص ۴۴۹؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق: ج ۳، ص ۱۳۱۳). قوم با غرور و به تحریک مستکبران، ناقه را عقر کردند. قتل توسط یک نفر بود، اما رضایت جمعی طبق سنت الهی و نهج البلاغه، عذاب بر همه را سبب شد (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۲۰۱؛ شعراء/۱۵۷). پیامد، زلزله و صاعقه بود؛ نه تصادفی، بلکه پاسخ به کفران نعمت. قرآن بلاای طبیعی را حاصل رفتار ناسپاسانه می‌داند. داستان ثمود الگویی است تا نعمت‌ها را مسئولیت ایمانی بدانیم؛ کفران، سقوط اخلاقی-اجتماعی و عذاب می‌آورد.

قرآن کریم، برای تبیین رابطه بنیادین میان اعمال انسان و پیامدهای آن، از تمثیل‌های فرازمانی و ماندگار بهره می‌برد. یکی از این تمثیل‌های روشنگر، آیه ۱۱۲ سوره نحل است که درباره قریه‌ای امن و مطمئن سخن می‌گوید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/۱۱۲). این آیه، شهری را توصیف می‌کند که از نعمت امنیت، آرامش پایدار و فراوانی رزق برخوردار بود، اما در پی کفران نعمت‌های الهی، گرفتار لباس گرسنگی و ترس شد. مفسران برجسته، از جمله آیت‌الله مکارم شیرازی (۱۳۷۴ش: ج ۱۱، ص ۴۲۹)، سید قطب (۱۴۱۲ق: ج ۴،

ص ۲۲۰۰-۲۱۹۸)، علامه طباطبایی (۱۴۱۷ق: ج ۱۲، ص ۳۶۳-۳۶۱) و آیت الله فضل الله (۱۴۱۹ق: ج ۱۳، ص ۳۱۳-۳۱۲)، همگی بر این باورند که این لباس نمادی از احاطه کامل بلا و واکنشی قانونی و نظام مند از سوی خداوند به اعمال و رفتار بشر است.

در تفسیر المیزان، عبارت «لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ» به عنوان تجلی مجازات قطعی و بیرونی در برابر کفر عملی که روابط حیاتی انسانی، اقتصادی و دینی جامعه را مختل می‌سازد، تفسیر شده است (طباطبایی، همان). آیت الله فضل الله نیز با تأکید بر اینکه انسان در سرنوشت خود نقش فعالی دارد، بیان می‌دارد که بلاها و سختی‌ها، انعکاس گسست‌های درونی و نقض پیمان‌های الهی هستند؛ جامعه‌ای که شکر نعمت را ترک کند، جامعه‌ی نابودی و زوال بر تن خواهد پوشید (فضل الله، همان: ص ۳۱۳). قرآن کریم در این آیه، به روشنی یک رابطه علی و معلولی میان کفران نعمت و وقوع بلا ترسیم می‌کند؛ در جایی که نعمت‌هایی چون امنیت، رزق فراوان و رسالت الهی به کمال وجود دارند، طغیان، ناسپاسی یا تکذیب حقیقت، منجر به نزول عذابی فراگیر می‌شود که جنبه‌های طبیعی و روانی-اجتماعی را در بر می‌گیرد.

این رویکرد قرآنی، با روایات رسیده از ائمه اطهار (ع) نیز کاملاً هم‌راستا و مؤید است. در کتاب کافی، روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که در تبیین آیه «فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ بَيْنَ أَسْفَارِنَا...» (قومی که در شهرهای متصل به هم، با نهرهای جاری و اموال فراوان زندگی می‌کردند)، بیان می‌دارد که ایشان با کفران نعمت، عافیت و وضعیت مطلوب خود را تغییر دادند. در نتیجه، سنت الهی تحقق یافت و سیل ویرانگر عرم آن قریه‌ها را در هم کوبید، اموالشان نابود شد و باغ‌های پرثمرشان به دو باغ تلخ‌ثمر و بی‌فایده تبدیل گردید؛ این همان جزای کفران است که در آیه «هَلْ تُجَازِي إِلَّا الْكُفُورَ» (سبأ/۱۷) به صراحت بیان شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ص ۲۷۴). این روایت، به طور خاص، تأکیدی بر این اصل بنیادین قرآنی است که «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد/۱۱)؛ یعنی خداوند سرنوشت هیچ گروهی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان خود، آنچه در درونشان است را تغییر دهند. همچنین، حضرت علی (ع) در خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه، که در دعای طلب باران برای مردم کوفه ایراد شده، به صراحت به پیوند میان اعمال ناپسند و تغییر نعمت‌ها اشاره کرده و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ...» (سید رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۴۳، ص ۱۶۱)، که نشان می‌دهد خداوند بندگان خود را در قبال اعمال بد، با کاستی در محصولات و نعمت‌ها می‌آزماید. این فرازها، همگی دیدگاهی تربیتی را به نمایش می‌گذارند؛ در این منظر، کاستی در نعمت‌ها نه مجازاتی صرف، بلکه ابتلایی الهی برای بازگشت انسان به مسیر بندگی و اصلاحات فردی و اجتماعی است.

۳-۴- وقوع بلاهای طبیعی با اراده خداوند

از دیرباز، اندیشمندان ادیان الهی طبیعت را تجلی اراده خداوند و بستر تأملات فلسفی، اخلاقی و حقوقی دانسته‌اند. ویلیام آکام، متکلم قرن چهاردهم، طبیعت را هم‌سنخ اراده الهی می‌دانست و معتقد بود خداوند می‌تواند نیکی و بدی را دگرگون سازد؛ رفتار مطابق فرمان خدا خوب و مخالف آن بد است. حکم الهی ممکن

است تغییر کند، اما همیشه صحیح است؛ انسان باید رفتار را در چارچوب قوانین طبیعی سامان دهد (مقیمی، ۱۳۹۳ش: ص ۴۳-۴۴).

در آموزه‌های قرآنی، هیچ رخدادی -فردی یا بلایای طبیعی- بدون إذن خداوند رخ نمی‌دهد: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» (تغابن/۱۱). این آیه نظام علی-معلولی عالم را تحت تدبیر الهی نشان می‌دهد؛ رویدادهای خیر و شر طبق حکمت تحقق می‌یابند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۲۲، ص ۲۶۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۹، ص ۳۰۳). «إِذْنُ الْهَيْ» رضایت به بلا نیست، بلکه سلطه مطلق خداوند بر هستی است. حوادثی مانند ظلم یا آسیب، ناشی از اختیار انسان در چارچوب خلقت‌اند (فضل‌الله، همان: ص ۲۶۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲۴، ص ۱۹۸).

مفسران مصائب را دو دسته می‌کنند:

- طبیعی (بیماری، زلزله، مرگ) لازمه زیست مادی با اراده تکوینی (حدید/۲۲).
 - انسانی نتیجه اعمال و فساد با قانون کنش-واکنش (تغابن/۱۱؛ طباطبایی، همان: ص ۳۰۴).
- ایمان منبع هدایت قلبی است: «وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ» (تغابن/۱۱). این هدایت آرامش، صبر، رضا و تسلیم می‌آورد (مکارم شیرازی، همان: ص ۱۹۸؛ طباطبایی، همان: ص ۳۰۵). ادامه آیه «وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» پدیده‌های تلخ را معنادار می‌کند (مکارم شیرازی، همان: ص ۱۹۹). باور به إذن الهی نگرش ایمانی می‌سازد؛ مؤمن بلا را خیر می‌بیند: «عَجَبًا لِأَمْرِ الْمُؤْمِنِ، إِنَّ أَمْرَهُ كُلَّهُ خَيْرٌ...» (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۳۵۸۹-۳۵۸۸). برخی هدایت قلبی را معرفت لدنی برای کشف اسرار هستی می‌دانند (طباطبایی، همان: ص ۳۰۵). تفسیر الکاشف تمایز می‌دهد: بلاهای طبیعی محصول اراده الهی (تغابن/۱۱) و انسانی حاصل فساد و گناه: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ» (شوری/۳۰؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۷، ص ۳۴۲-۳۴۱).
- آیه «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ...» (حدید/۲۲) مصائب را پیش‌ثبت در لوح محفوظ نشان می‌دهد؛ تجلی علم مطلق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲۳، ص ۳۶۱؛ طباطبایی، همان: ص ۱۶۶). برخی آن را نمود هستی‌شناسانه علم الهی می‌دانند (طباطبایی، همان: ص ۱۶۷). فضل‌الله آیه را گویای نظام قانون‌مند و رد تصادف می‌داند؛ بلایا در سنن الهی معنا می‌یابند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۲۲، ص ۴۱). سید قطب نظم دقیق جهان را تأیید می‌کند: «إِنَّ هَذَا الوجود من الدقة و التقدير بحيث لا يقع فيه حادث إلا و هو مقدر من قبل...»؛ همه در علم مطلق الهی‌اند (سید قطب، همان: ص ۳۴۹۳). آیات سوره ملک (۱۷-۱۶) و رعد (۱۳) زلزله، طوفان و صاعقه را هشدار الهی معرفی می‌کنند؛ جلوه قدرت که به تذکر، مسئولیت و ایمان فرا می‌خوانند.

۳-۳-۵- تنبیه، هشدار و بیدار باش برای انسان ها

در قرآن کریم، بلایای طبیعی مانند زلزله، صاعقه و بادهای سهمگین، نه صرفاً پدیده‌های طبیعی، بلکه جلوه اراده الهی و ابزار تنبیه، هشدار و بیدارباش‌اند. آیات ۱۶ و ۱۷ سوره ملک و آیه ۱۳ سوره رعد انسان را از غفلت و امنیت کاذب برحذر می‌دارند (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ج ۶، ص ۳۶۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۹، ص ۳۵۸).

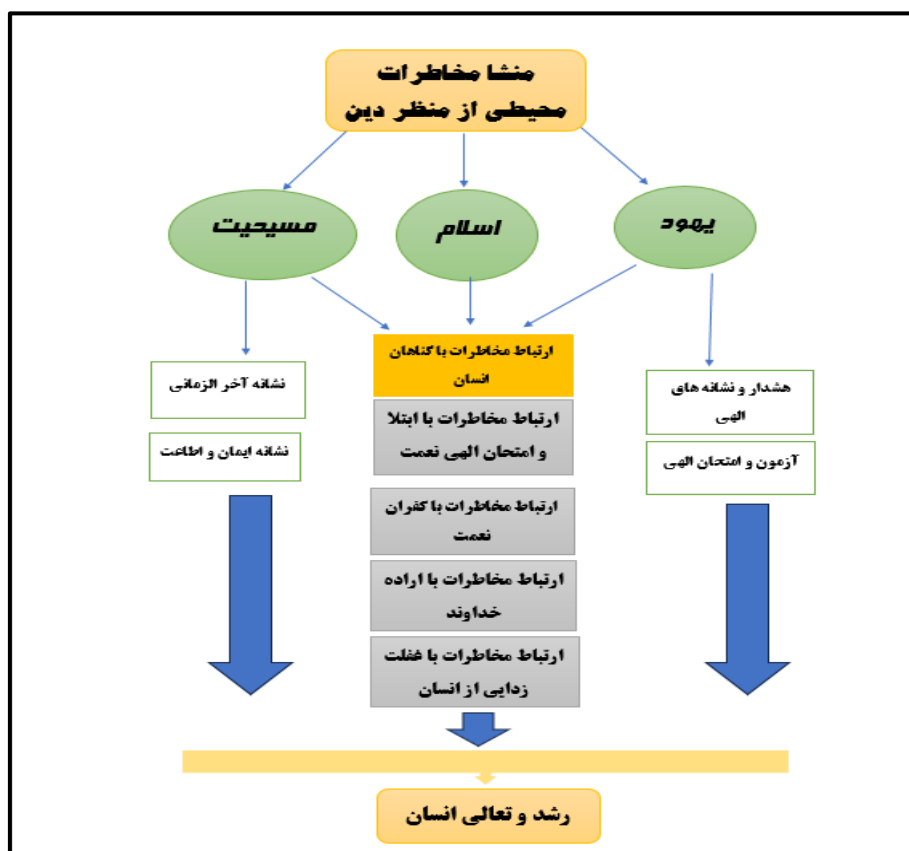
زمین موجودی ذلول است که با اراده الهی می‌تواند ویرانگر شود؛ زلزله، خسوف و طوفان‌های حاصِب نماذ این تحول‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ج ۷، ص ۳۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۲۴، ص ۳۳۹). عبارت «مَنْ فِي السَّمَاءِ» به خداوند یا فرشتگان مأمور اشاره دارد که زمین را می‌شکافند یا بادهای سنگباران‌کننده می‌فرستند. این هشدارها برای انسان معاصر نیز پیام بیداری و بازگشت به توحید دارند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ج ۲۳، ص ۲۳). خداوند در آیه ۹۴ سوره اعراف می‌فرماید سختی‌ها وسیله بازگشت به خداست؛ آیه ۴۲ سوره انعام نیز همین را تأیید می‌کند.

ابتلائات زمینه هدایت و بیداری معنوی‌اند. رفاه انسان را از منشأ نعمت دور می‌کند، اما بحران او را به فروتنی و دعا سوق می‌دهد: «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَتَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ» (اسراء/۸۳). این تحول در دعوت پیامبران نقش داشته است. برخی پس از رفع سختی غافل می‌شوند، اما گروهی به ایمان پایدار می‌رسند. استمرار وابسته به آگاهی و اصلاح است؛ بلاها فرصتی برای هدایت، تأمل و بازگشت به فطرت توحیدی‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ج ۶، ص ۲۶۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۸، ص ۱۹۵؛ بابایی، ۱۳۸۲ش: ج ۲، ص ۷۱).

امام صادق (ع) می‌فرماید: «زلزله و همانند آن، برای آن است که مردم، غافل نشوند، به هوش باشند [که ضعیف و ناتوانند] و در هراس افتند و [با احساس ضعف خود و قدرت آفرینشگر] از گناه و فساد به دور مانند. تمام بلاها و گرفتاری‌هایی که در جسم و مالشان پدید می‌آید برای همین امر و به سود و مصلحت و استقامت بخشیدن به آنان است. اگر صالح باشند، باعث می‌شود که در سرای دیگر چنان پادشاهی برای شخص ذخیره گردد که با هیچ نعمت دنیوی برابری نکند. پس گاه صلاح و مصلحت عام و خاص در آن است که در نزول این بلاها در دنیا شتاب شود» (توحید المفضل، ص: ۱۴۴).

۴- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تحلیل تطبیقی لایه‌های معنوی و فطرت‌محور مخاطرات محیطی در سه دین توحیدی (اسلام، یهودیت و مسیحیت)، خلأ موجود در رویکردهای صرفاً مادی و فناورانه مدیریت بحران را آشکار ساخت. مدل پیشنهادی پژوهش (شکل ۱) منشأ مخاطرات را در پنج بعد کلیدی (گناه جمعی، ابتلای تربیتی، کفران نعمت، إذن الهی، تنبیه و هشدار) تبیین کرده و نشان می‌دهد که چگونه آموزه‌های اسلامی به عنوان محور اصلی، با مقایسه تطبیقی با یهودیت و مسیحیت، چارچوبی جامع برای درک ریشه‌ها و کارکردهای تربیتی مخاطرات ارائه می‌دهد.



شکل شماره ۱: منشا مخاطرات در ادیان الهی

با توجه به نظرات متعدد پژوهشگران و مفسران، دیدگاه این پژوهش مبنی بر کارآمدی ادیان الهی در مدیریت بحران‌ها و تقویت تاب‌آوری معنوی بیش از پیش تأیید می‌شود. مطالعات همسو مانند پژوهش الماسوندی و همکاران (۱۴۰۱) که چالش‌های زیست‌محیطی را وظیفه‌ای اخلاقی و دینی می‌دانند، یا تحقیق ترخان (۱۳۹۹) بر تأثیر عوامل فرامادی مانند دعا و ایمان در کاهش بلایا، با تأکید مقاله بر جنبه تربیتی و بیداری‌بخش مخاطرات همخوانی دارد. همچنین، چستر و دونکن (۲۰۰۹) به تأثیر برداشت‌های مذهبی بر واکنش افراد به بلایا اشاره کرده‌اند که با مدل پیشنهادی پژوهش سازگار است. در حوزه نظر بزرگان اسلام، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان (۱۴۱۷ق) بلایا را بخشی از نظام حکیمانه الهی برای آزمون و هدایت انسان تفسیر می‌کند، که این دیدگاه با تأکید مقاله بر ابتلای تربیتی و تنبیه الهی کاملاً همسو است. امام خمینی (ره) نیز در کتاب عدل الهی (۱۳۸۲ش) بلاها را تذکر عمیقی برای بیداری و بازگشت به مسیر حق می‌داند و می‌فرماید: «این بلاها تذکر عمیقی است برای آنانی که گوش شنیدن نداشتند تا بیدار گردند»، که این ادله شواهد محکمی بر صحت نظر پژوهش حاضر مبنی بر نقش مخاطرات به عنوان ابزار رشد معنوی و اخلاقی فراهم

می‌آورد. این نظرات بزرگان و مطالعات همسو، بر خلاف رویکردهای سکولار، نشان می‌دهند که ادغام دیدگاه‌های دینی نه تنها تهدیدات را کاهش می‌دهد، بلکه فرصتی برای توسعه پایدار فطرت‌محور ایجاد می‌کند.

پیشنهاد‌های پژوهشی برای پژوهشگران آینده: ۱. بررسی تطبیقی نقش ادیان توحیدی در مدیریت بحران‌های خاص (مانند تغییرات اقلیمی) با روش‌های کمی و میدانی. ۲. تحلیل تأثیر آموزه‌های اسلامی بر رفتارهای زیست‌محیطی جوامع محلی در کشورهای اسلامی با مطالعات موردی. ۳. تحقیق میان‌رشته‌ای بر روی تاب‌آوری معنوی در مواجهه با بلایای طبیعی با بهره‌گیری از روان‌شناسی مثبت‌گرا و الهیات تطبیقی.

پیشنهاد‌های اجرایی، رسانه‌ای، تبلیغی و تفسیری برای مدیران و نهادها: ۱. ادغام ابعاد معنوی در طرح‌های جامع مدیریت بحران: سازمان‌هایی مانند سازمان مدیریت بحران و هلال احمر باید در طراحی و بازنگری طرح‌های جامع خود، بخش مشخصی را به آمادگی روانی-معنوی جامعه در برابر مخاطرات اختصاص دهند. ۲. آموزش و توانمندسازی جامعه محلی با رویکرد دینی-محیط زیستی: طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی، کارگاه‌ها و برنامه‌های توانمندسازی در سطح محلات و جوامع، با تمرکز بر آموزه‌های دینی مرتبط با مسئولیت‌پذیری در قبال طبیعت، شکرگزاری، صبر در برابر ناملایمات، و توکل. این آموزش‌ها می‌توانند در قالب داستان‌سرایی، کارگاه‌های عملی و جلسات تفسیر در مساجد و سایر مراکز مذهبی برگزار شوند. ۳. توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی معنوی برای تاب‌آوری: تسهیل و حمایت از نقش نهادهای مذهبی و فرهنگی (مساجد، حسینیه‌ها، کلیساها، انجمن‌های خیریه مذهبی) به عنوان شبکه‌های حمایتی اولیه در زمان بحران. این نهادها می‌توانند در اطلاع‌رسانی، سازماندهی کمک‌های اولیه، ارائه مشاوره روانی-معنوی و تسهیل بازسازی روحی جوامع نقش کلیدی ایفا کنند. ۴. تدوین دستورالعمل‌های اخلاق زیست‌محیطی مبتنی بر آموزه‌های دینی: تشکیل کمیته‌های تخصصی با حضور عالمان دینی، کارشناسان محیط زیست، جامعه‌شناسان و روانشناسان برای تدوین چارچوب‌های اخلاقی و عملیاتی در حوزه زیست‌محیطی که مستقیماً از متون مقدس و سنت‌های دینی استخراج شده و به توسعه پایدار کمک کند. این دستورالعمل‌ها می‌توانند مبنای قوانین و مقررات زیست‌محیطی قرار گیرند. ۵. پیشنهاد‌های رسانه‌ای: تولید برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی با تمرکز بر بازخوانی دینی مخاطرات (مانند مستندهای مبتنی بر آیات قرآن و روایات)، و استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ترویج اخلاق زیست‌محیطی دینی. ۶. پیشنهاد‌های تبلیغی: کمپین‌های تبلیغاتی توسط نهادهای فرهنگی مانند سازمان تبلیغات اسلامی، برای آگاهی‌بخشی عمومی در مورد نقش آزمون‌های الهی در بلایا، با بهره‌گیری از خطبه‌های نماز جمعه و سخنرانی‌های مذهبی. ۷. پیشنهاد‌های تفسیری: تشویق مفسران و عالمان دینی به تولید تفاسیر جدید از آیات مرتبط با محیط زیست و بلایا (مانند آیه روم/۴۱)، و انتشار آن‌ها در قالب کتاب‌ها یا وبینارها برای دسترسی عمومی.

فهرست منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
 علیجانی، بهلول (۱۳۹۳). مبانی فلسفی مخاطرات محیطی، تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، ۱ (۱): ۱-۱۵.
 صبری فرزانه، حسین و علمی، قربان (۱۳۹۷). روی‌آوری مؤمنانه به خداوند در پاسخ به مخاطره وجودی، مدیریت مخاطرات محیطی دانشگاه تهران، ۵ (۱): ۵۳-۶۶.
 مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۳). دانش مخاطرات (برای زندگی با کیفیت بهتر و محیط پایدار تر)، انتشارات دانشگاه تهران.
 بیات، مرتضی؛ سقایی بی ریا، محمد ناصر و بهشتی، محمد (۱۴۰۰). بررسی مبانی کلامی انسان شناختی تعامل انسان با محیط زیست با تأکید بر مقام خلیفه الهی انسان، فصلنامه علمی پژوهش‌های اعتقادی- کلامی، ۱۱ (۴۳): ۳۳-۵۶.
 حسینی، سیدحسن (۱۳۸۶). رویکردهای دینی و احادیث مذهبی درباره مخاطرات و حوادث غیرمترقبه طبیعی: سومین کنفرانس بین المللی مدیریت جامع بحران در حوادث غیرمترقبه طبیعی. تهران.
 علی دادی، آیدین و علی دادی، آسیه (۱۴۰۳). تاثیر سوانح و بلاای طبیعی و غیرطبیعی بر امر آموزش و چگونگی مدیریت آن: هفدهمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. تهران.
 الماسوندی، علیرضا؛ مراد خانی، احمد و عابدیان، سید حسن (۱۴۰۱). نقش اعتقادات در حفظ محیط زیست از دیدگاه قرآن، مجله نامه الهیات، ۱۵ (۵۹): ۳۲-۴۵.
 اویسی، کامران (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی آموزه‌های محیط زیستی طبیعی در اسلام و زرتشت با تأکید بر قرآن و وندیداد، الهیات تطبیقی، ۱۲ (۲۵): ۱-۲۶.
 ترخان، قاسم (۱۳۹۹). نقش و تأثیر علل و عوامل فرامادی در بلاای طبیعی، فصلنامه علمی پژوهشی قبسات، ۲۵ (۹۶): ۳۵-۶۶.
 رفیعا، مریم و ساطع، نفیسه (۱۳۹۴). تأثیر باور دینی در نحوه برخورد با محیط زیست: قم.
 کاظم زاده، موسی (۱۳۹۲). نقش آموزه های قرآنی و دینی در کاهش بلاای طبیعی: همایش منطقه ای تاثیر آموزه های اسلامی در پیشرفت علوم و فن آوری های نوین. ساری.
 حکمت پناه، منیره (۱۳۹۱). بررسی علل وقوع بلایا و حوادث طبیعی از دیدگاه قرآن و احادیث: همایش ملی آسیب شناسی و برنامه ریزی اثرات زلزله در استان آذربایجان شرقی. هریس.
 ساقی، سید ابوالفضل (۱۳۹۸). ترجمه فارسی تورات، سایت جامع (پژوهش های حقوق و ادیان).
 امام خمینی (ره) (۱۳۸۲). عدل الهی از دیدگاه امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) تهران.
 انجیل عیسی مسیح، <https://www.enjeel.org/>
 موسوی، سید حسن (۱۳۹۴). مکاشفه (رویداد های آخر الزمان). تهران: سایت بیگانگان باستانی.
 بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲). برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
 خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق). التفسیر القرآنی للقرآن، لبنان- بیروت: دار الفکر العربی.
 سیدرضی، محمد (۱۴۱۴ق). گردآورنده فرمایشات امام امیر المؤمنین، علیه السلام، نهج البلاغه، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
 شبر، سید عبد الله (۱۴۱۲). تفسیر القرآن الکریم (شبر)، بیروت: دار البلاغه للطباعة و النشر.
 طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 طوسی، محمد بن حسن (قرن ۵). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.
 فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق). تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین.

مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف، تهران: دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.

کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامية)، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مفضل بن عمر (۱۳۷۳)، توحید المفضل - ایران؛ قم، چاپ: سوم، بی تا.

«... إِنَّ الزَّلْزَلَةَ وَ مَا أَشْبَهَهَا مَوْعِظَةٌ وَ تَرْهِيْبٌ يَرْهَبُ بِهَا النَّاسُ لِيُرْعَوْا وَ يَنْزِعُوا عَنِ الْمَعَاصِي وَ كَذَلِكَ مَا يَنْزِلُ بِهِمْ مِنَ الْبَلَاءِ فِي أَيْدِيهِمْ وَ أَمْوَالِهِمْ يَجْرِي فِي التَّدْبِيرِ عَلَى مَا فِيهِ صَلَاحُهُمْ وَ اسْتِقَامَتُهُمْ وَ يَدَّخِرُ لَهُمْ إِنْ صَلَحُوا مِنَ الثَّوَابِ وَ الْعُوضِ فِي الْآخِرَةِ مَا لَا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا وَ رَبَّمَا عَجَّلَ ذَلِكَ فِي الدُّنْيَا إِذَا كَانَ ذَلِكَ فِي الدُّنْيَا صَلَاحًا لِلْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ ...»

Wisner, b, et al. (2004). At risk: natural hazard, peoples vulnerability and disasters.

Akasoy, A., (2007). Islamic attitudes to disasters in the middle ages: a comparison of earthquakes and plagues. *The Medieval History Journal* 10 (1-2), 387-410.

Gillard, J.C, Texier,P.(2010). Religions, natural hazards, and disasters: An introduction, *Quarterly Journal of Religion*,40(2),82-84 .

Holmgaard, S.B.(2019). The role of religion in local perceptions of disasters: the case of post-tsunami religious and social change in Samoa, *Environmental Hazards*,18(4).311-325 .

Chester, D. K., & Duncan, A. M. (2010). Responding to disasters within the Christian tradition, with reference to volcanic eruptions and earthquakes. *Religion*, 40(2), 85-95.

Taylor, V.A., (1978). Future directions for study. In: Quarantelli, E.L.(Ed.), *Disasters: Theory and Research*. Sage, London,pp. 251-280

Mitchell, J.T.(2000). The hazards of one's faith: hazard perceptions of South Carolina Christian clergy. *Environmental Hazards* 2 (2000). 25-41 .

Hofman, S., Oliver-Smith, A., (1999). Anthropology and the angry Earth: an overview. In: Oliver-Smith, A., Hofman, S. (Eds.), *The Angry Earth*. Routledge, New York, 1-16.

Silva, M.(2015). A Systematic Review of Foresight in Project Management Literature, *Procedia Computer Science*,.64(15). 792-799 .

Senders, F.J. Wiczorek,A. & Raven, R.(2016), Experimenting for sustainability transition: A systematic literature review . *Technological Forecasting & Social Chang*.

De Leo, R. C. Melnychuk, N. Murray, D. & Plummer, R.(2016), Advancing the state of policy Delphi Practice : A systematic review evaluating methodological evolution, innovation, and opportunities, *Technological Forecasting and Social Chang*. 2(104). 78-88 .

Ghafory-Ashtiany M. (2018).View of Islam on earthquakes, human vitality and disaster. *Disaster Prevention and Management: An International Journal*. 2009;18(3): 218.

Merli, C., 2005. Religious interpretations of tsunami in Satun province, Southern Thailand. *Svensk Religionshistorisk Årsskrift* 14, 154-181.